



ارائه شده توسط:

سایت ترجمه فا

مرجع جدیدترین مقالات ترجمه شده

از نشریات معتبر

کمک های علمی به ارتقای حسابداری برای توسعه پایدار

رهبران کسب و کار، خدمات دولتی و سازمان های غیرانتفاعی به طور فزاینده ای دریافته اند که در انجام وظائف متنوع خود، آنها باید ریسک های قابل توجهی از تغییرات زیست محیطی جهانی، از جمله ریسک های اقتصادی و اجتماعی که از این تغییرات جریان می یابد را بررسی نمایند. همچنین آنها دریافته اند که تعامل با طیف وسیع تری از ریسک ها و فرصت های تاثیرگذار بر پایداری زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی، یکی از فوری ترین و پیچیده ترین چالش های پیش روی سازمان ها و جامعه آنها است (Unerman, Hopwood, و Fries, ۲۰۱۰).

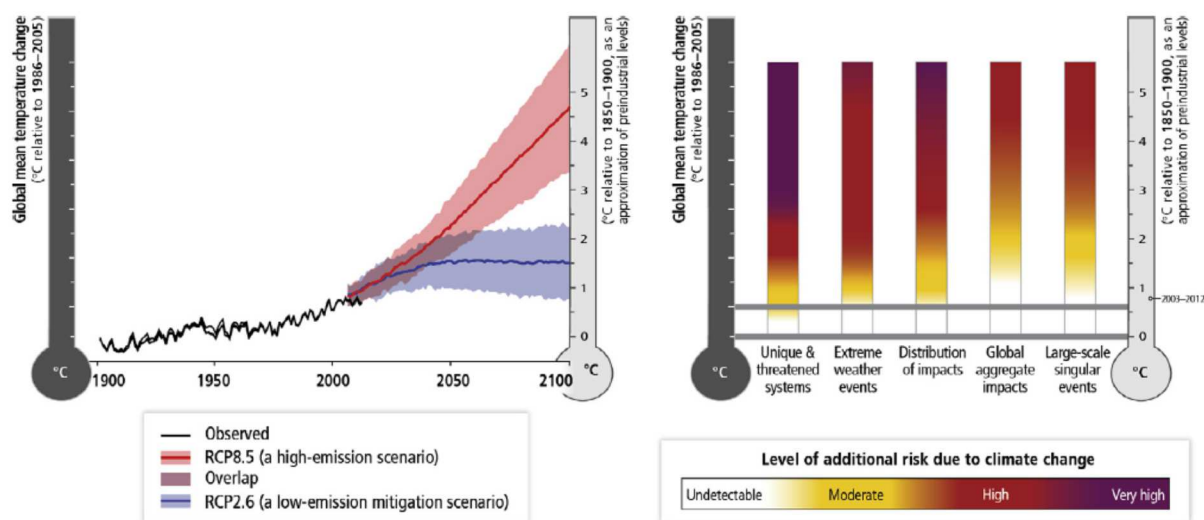
در حالی که رهبران سازمانی از طیف وسیع چالش های مربوط به پایداری آگاه تر شده اند، سازمان ها و مشاوران آنها در حال توسعه طیف رو به رشد حسابداری، مسئولیت پذیری (ذیحسابی) و شیوه های اطمینان هستند تا به شناسایی و مدیریت این ریسک ها و فرصت های مرتبط با پایداری کمک نمایند (Unerman, Bebbington و O'Dwyer, 2014, Malsch, 2013, Owen, O'Dwyer, و Unerman, 2011, Power, ۱۹۹۷). در کنار توسعه این شیوه ها و درگیری بین سازمان ها و سهامداران آنها، نقدها و بحث هایی با پشتیبانی دیدگاه های تحقیقات دانشگاهی پدید آمده است که به بنیادی بودن این شیوه ها و درگیری ها (Gray, ۲۰۱۰) توجه نموده اند. یک سنت دیرینه از تحقیقات دانشگاهی برای بررسی طیف وسیعی از سیاست ها، فرآیندها و شیوه های مربوط به حسابداری و مسئولیت پذیری پایداری وجود دارد (Buhr, 2007, Gray و همکاران, ۲۰۱۰, Owen, ۲۰۰۸; Thomson, ۲۰۰۷, ۲۰۱۴). مجلاتی مانند حسابداری، سازمانها و جامعه، مجله ممیزی حسابداری و ذیحسابی، دیدگاه های انتقادی در حسابداری و انجمن حسابداری از انواع پژوهش های حسابداری و ذیحسابی اجتماعی و محیطی در طول این چند دهه استقبال کرده اند و آنها را تشویق نموده اند (Gray, ۲۰۰۲, Laughlin و Lehman, ۱۹۹۹, Owen, ۲۰۰۸). شبکه های آکادمیک مانند مرکز تحقیقات حسابداری محیطی و اجتماعی و مجله ذیحسابی محیطی و اجتماعی مرتبط با آن نیز نقش محوری را در ایجاد ظرفیت پژوهش در این زمینه ایفا کرده اند. این ظرفیت سازی همچنان مهم است زیرا مجموعه ای از متون آکادمیک با کیفیت بالا نه تنها بر

تخیل و الهام بخشی محققان فردی بلکه بر توسعه کار گروه های محققان درگیر متکی بوده اند که برای تسهیل و ترویج گفته های خود، همکاری بلند مدتی با شبکه هایی مانند مرکز تحقیقات حسابداری محیطی و اجتماعی داشته اند.

افزایش علاقه سازمانی به حسابداری و ذیحسابی پایداری، همراه با افزایش تحقیقات علمی از این مسائل حسابداری، شواهد بسیار بیشتر و آگاهی عمومی از ناپایداری جمعی از بسیاری از فعالیت های انسانی (IPCC، 2013، 2014a، 2014b)، به ویژه اثرات زیست محیطی و اجتماعی منفی از فعالیت کسب و کار را در این موارد نشان داده است (Bebbington و Larrinaga، 2014b، Hopwood، 2009). در سراسر طیف متنوعی از پژوهش های حسابداری و ذیحسابی پایداری (Thomson، ۲۰۱۴)، ما سه رشته گسترده از متون را شناسایی نمودیم - که البته برخی از مطالعات شبیه به هم هستند و یا ترکیبی از این سه رشته هستند

یک رشته به دنبال نشان دادن روابط بین عملکرد اجتماعی و محیطی، گزارش دهی اجتماعی و محیطی، و عملکرد اقتصادی است (از جمله ارزیابی های بازار سهام). بحث اساسی این متون اینست که عناصر پایداری را می توان برجسته نمود و / یا از طریق مکانیسم های موجود در بازار بررسی نمود. در یک تمایز سریع، رشته دوم پژوهشی نشان می دهد که ناپایداری اجتماعی و محیطی تا حد زیادی از سیستم سرمایه داری حاصل می شود و استدلال می کند که بهترین (و یا تنها) راه به سمت یک سیستم اجتماعی و محیطی پایدار، اصلاح و یا حتی کنار گذاشتن این بازارها و سرمایه داری است. رشته سوم پژوهش به دنبال درگیری سازنده اما انتقادی با کسب و کارها و دیگر سازمان ها برای کمک کردن به شناسایی طیف وسیعی از ریسک های پایداری اجتماعی و محیطی و فرصت ها و ایجاد تغییرات است به گونه ای که آنها در یک جهت مطلوب عمل نمایند که به عملیات با ناپایداری کمتر منجر می شود. همانطور که در شکل ۱ می توان دید، مطالعات توسعه پایدار از علوم طبیعی نشان می دهد که سازمان ها باید تغییرات اساسی را در کوتاه مدت ایجاد نمایند، تا از تغییرات محیطی جهانی و جابجایی های اجتماعی فاجعه بار جلوگیری شود.

دانشگاهی که روی رشته گسترده سوم از پژوهش حسابداری و ذی‌حسابی پایداری کار مشغول به کار هستند، استدلال‌های مطالعات انجام شده در رشته دوم را پذیرفته‌اند که نقایص در سیستم سرمایه‌داری موجب تضعیف و یا تقویت ناپایداری اجتماعی و محیطی شده است. با این حال، انگیزه رویکرد نسبتاً متفاوت آنها نسبت به رشته دوم، این نگرانی است که انجام اصلاحات افراطی در نظام سرمایه‌داری به احتمال زیاد برای جلوگیری از تغییر جهانی زیست محیطی فاجعه‌بار خیلی دیر است. ممکن است این اصلاحات افراطی فقط نتیجه اختلال عمده اجتماعی و اقتصادی نشان داده شده در شکل ۱ باشند که به احتمال زیاد از سطح فاجعه‌بار تغییرات محیطی جهانی جریان می‌یابد. با توجه به هزینه بالای اصلاحات، دانشگاهیان مشغول به کار در رشته گسترده سوم از تحقیقات، رویکردی را اتخاذ نموده‌اند که عملیات پایداری سازمان‌ها کمک می‌نماید و بدین ترتیب برای چالش‌های گرم شدن کره زمین و فروپاشی توسعه اجتماعی، زمان و فرصت بیشتری برای راه‌های جدید می‌یابیم. آنها درگیری‌های سازنده برای حرکت به سمت انتشار کمتر گازهای گلخانه‌ای (RCP2.6 در شکل ۱) را برای تعقیب تلاش‌های عملی تغییر سیاست‌ها و شیوه‌های سازمانی (عدم پایداری (سناریو RCP8.5 در شکل ۱) ضروری می‌دانند.



شکل ۱. منبع: IPCC (2014c) گزارش کار گروه دوم، ص. ۱۳: کادر ارزیابی SPM. 1 شکل ۱.

در این مقاله ما روی رشته سوم گسترده از متون حسابداری و ذیحسابی پایداری تمرکز نموده ایم، رشته ای که به عنوان "حسابداری برای توسعه پایدار" نامیده می شود (همچنین نگاه کنید به Thomson و Bebbington، ۲۰۱۳). ما تحقیقات در این رشته را در نظر می گیریم که به دنبال تعامل و نقد عمل و سیاست و شاید به چالش کشیدن برخی از تفاوت ها و تعاریف شایع تر پذیرفته از حساسیت در بخش هایی از آکادمی حسابداری، به ویژه مطالعات در رشته دوم گسترده از پژوهش حسابداری و ذیحسابی پایداری است. به این دلیل یک سوال در این باره مطرح است که آیا ی ساختارهای قدرت موجود باید جایگزین شوند، اصلاح شوند و یا تغییر مسیر دهند.

در چارچوب این رشته سوم از متون، پیچیدگی های مسائل و روابط مفصل اساسی، نیاز به توجه بیشتر به توسعه و اصلاح چارچوب های نظری جدید را نشان می دهند (Thomson و Bebbington، ۲۰۱۳). نظریه ها، با ارائه یک چارچوب توضیحی، نقش حیاتی در تعامل بین مشاهدات و بینش ایفا می نمایند که به: ساده سازی یک کلمه بسیار پیچیده؛ ساختاربابی بینش دیگری از داده های نامنظم؛ و ارتباط برقرار کردن این بینش ها با مخاطبان متفاوت کمک می کند. بنابراین خبرگی در ارائه نظریه ها می تواند نقشی حیاتی در ارائه شواهد و ادراک به این مورد ایفا نماید که کدامیک از شیوه های موجود را می توان بررسی و نقد نمود تا شیوه های جدید و بی عیب توسعه داده شوند.

زمانی که کلیت دیدگاه های تجربی مشترک در هر حوزه پیچیده رشد می کند، تفسیر این دیدگاه ها تکامل خواهد یافت. دیدگاه های قدیمی مورد سوال قرار می گیرد و در طول زمان نقاط کور و مناطق عدم توجه آشکار خواهد شد، که منجر به تغییر در دلیل و نحوه در نظر گرفتن این چارچوب های نظری مختلف می شود. بنابراین یکی از جنبه های مهم پژوهش، میسر نمودن بررسی و به روز رسانی چارچوب های نظری مورد استفاده و توسعه چارچوب های نظری جدید است تا شواهد و فهم از مطالعات جدید به ارزیابی، نقد و توسعه سیاست ها و عمل های مداوم و اساسی کمک نمایند. استدلال ما در اینجا اینست که (و مقالات در این بخش خاص از حسابداری، سازمانها و جامعه نشان می دهند که) منافع زیادی از توسعه بیشتر، تنوع و خبرگی در شکل گیری و استفاده از تئوری در تحقیقات در حسابداری برای توسعه پایدار وجود دارد.

در مورد خبرگی و استفاده از چارچوب بندی های نظری جدید در حسابداری برای تحقیقات توسعه پایدار، ما در ابتدا افزایش خبرگی و غیر قابل پیش بینی بودن روابط بین پدیده ها را در هنگام تغییر تمرکز از شیوه های حسابداری مبتنی بر اقتصادی مالی به همکاری گسترده تر با شروع چند وجهی و تعامل توسعه پایدار اجتماعی، محیطی و اقتصادی برجسته می نماییم. تحقیق حسابداری برای توسعه پایدار، شیوه های این کار را در یک عرصه مشخص شده توسط لایه های اضافه شده از خبرگی و غیر قابل پیش بینی بودن در بالای شیوه های حسابداری اقتصادی متمرکز بسیار پیچیده مورد بررسی قرار می دهد و بخش بعدی در مورد ضرورت توسعه و تنوع ادراکات نظری و یا چارچوب بندی مختصر و برقراری ارتباط بینش های مفیدی از مشاهدات تجربی حسابداری برای شیوه های توسعه پایدار می باشد.

این بخش به نشان دادن آغاز جنبش به سوی استفاده پیچیده تر از تئوری می پردازد که در مقالات اخیر منتشر شده در رشته پژوهشی حسابداری برای توسعه پایدار دیده شده است. ما به دنبال برجسته نمودن این مورد هستیم که چگونه چنین تحولات نظری، بینش های صریح و جدید را ارائه می دهند و موجب پیشرفت درک ما در مورد حسابداری برای شیوه های توسعه پایدار می شوند. بخش پایانی، چند ایده را برای نظریه پردازی، پالایش و توسعه تحقیقات در مورد حسابداری برای توسعه پایدار ارائه می دهد.

خبرگی و غیر قابل پیش بینی بودن در حسابداری برای توسعه پایدار

حسابداری اقتصاد-محور یک زمینه بسیار پیچیده متشکل از مدیریت و حسابداری مالی است. مشخصه آن برقراری ارتباط و کمک به مدیریت تعاملات اقتصادی مستقیم و اثرات بین یک سازمان و جهان خارج سازمان است. مرزی را در فضای پیرامون سازمان و سوابق آن ترسیم می نماید و تعاملات اقتصادی و اثرات در داخل و یا در سراسر این مرز را تجزیه و تحلیل می کند و گزارش می نماید. این نقش ارتباطات و مدیریت، فعل و انفعالات و اثراتی را پوشش می دهد که در نهایت اما کمتر به طور مستقیم اقتصادی هستند، اما جایی در زمینه های اقتصادی در یک افق زمانی نسبتاً کوتاه مدت آشکار می شوند. با این حال، ریسک های مستقیم نامعین و غیرمستقیم درازمدت بالقوه برخاسته از

اثرات اجتماعی و محیطی فعالیت های سازمانی (مانند تاثیر آنها بر تغییرات آب و هوایی و یا انسجام اجتماعی) اغلب نادیده گرفته می شوند و یا توسط شیوه های حسابداری مرسوم از تجزیه و تحلیل حسابداری حذف می شوند.

حسابداری برای توسعه پایدار مستلزم گسترش این شیوه های حسابداری کوتاه مدت اقتصادی-گرا برای گنجاندن تعاملات اقتصادی و اثرات مستقیم کوتاه مدت و گنجاندن تعاملات و اثرات مستقیم بین سازمان، جامعه ای که در آن فعالیت می کند و محیط زیست طبیعی می باشد. این فعل و انفعالات و اثرات اجتماعی و محیطی اضافی اغلب تاثیر اقتصادی در بلند مدت (Hibbitt, Gray, Bebbington, Kirk, 2001) خواهند داشت. بنابراین، در حسابداری برای توسعه پایدار، محدوده بسیار پیچیده از شیوه های متعارف حسابداری مالی گرا، با تمرکز بر تعاملات اقتصادی و اثرات دو طرفه بین سازمان و جهان خارج آن در کوتاه مدت، مجموعه تعامل و اثرات دو طرفه بین سازمان و جهان، فراتر از مرزهای نهاد اجتماعی، محیطی و اقتصادی گسترش می یابد.

با این حال این گسترش به اضافه کردن این ابعاد دو طرفه اضافی از اثرات اجتماعی و محیطی به اثرات اقتصادی آشنا محدود نمی شود. اثرات مستقیم بر جامعه، محیط زیست طبیعی و اقتصاد از فعالیت های یک سازمان معمولاً به اثرات مستقیم کمتر بین جامعه، محیط زیست و اقتصاد منجر می شود. بنابراین، هر گونه اقدام تک اتخاذ شده توسط یک سازمان می تواند در ابتدا به طور مستقیم اثر داشته باشد و باعث تغییرات مختلفی در عناصر انسجام اجتماعی، محیط زیست طبیعی و مقدار و توزیع ثروت شود. پس از آن این اثرات مستقیم بر جامعه، محیط زیست و اقتصاد به صورت جداگانه و / یا جمعی منجر به تغییرات دیگری در این حوزه ها می شوند. بنابراین این تغییرات می توانند به نوبه خود اثر بیشتری بر سازمان داشته باشند (Hopwood و همکاران، 2010).

برای نشان دادن تمایز بین این اثرات و تعاملات مستقیم و کمتر مستقیم، ما می توانیم گزارش گسترده حادثه نفتی خلیج BP مکزیک در سال 2010 را در نظر بگیریم. با توجه به تحقیقات کنگره آمریکا، این حادثه ظاهراً تا حدودی ناشی از تصمیم گیری های محلی در شرکت های چند ملیتی BP و پیمانکاران آنها در مورد صرفه جویی در هزینه های نسبتاً غیر مادی در اقدامات ایمنی اکتشاف نفت بود (National Commission on the BP Deepwater Horizon Oil Spill, 2011). پیش بینی حوادث متعاقب آن موجب اقدامات ایمنی قوی تری در

محل شد. ۱۱ کارگر شاغل در حفاری نفت کشته شدند که تاثیر منفی اجتماعی روشنی برای این ۱۱ نفر و دوستان و خانواده آنها به همراه داشت. به طور مستقیم باعث آلودگی نفتی در مقیاس بزرگ در خلیج مکزیک شد و هزینه های بزرگ اقتصادی برای BP و شرکای آن در خاموش نمودن آتش، توقف نشت نفت و تمیز کردن برخی از نفت های ریخته به همراه داشت. این اثرات خارجی مستقیم (و نسبتا فوری)، تاثیرات منفی را بر عوامل اجتماعی، محیطی و اقتصادی در این مناطق بر جای گذاشت. بنابراین، برای مثال، آلودگی نفتی، بسیاری از ماهی ها را کشت، برای یک دوره، بسیاری از ماهیگیران برای گرفتن ماهی به دریا نمی رفتند و صنعت گردشگری در کشورهای نزدیک به نشت نفت خسارت دید (Horizon Oil Spill & Offshore National Commission on the BP Deepwater Drilling, 2011). بنابراین تاثیر منفی زیست محیطی ناشی از نشت نفت دیگر اثرات اجتماعی و اقتصادی در جوامع در مناطق ساحلی نزدیک به نشت نفت را به دنبال داشت. تعدادی از این تاثیرات و دیگر اثرات، موجب آسیب های اقتصادی بیشتر برای BP و پیمانکاران آن شد تا به افراد خسارت دیده غرامت بپردازند. در مجموع، BP هزینه ۴۰,۹ میلیارد دلاری را در سال ۲۰۱۰ در ارتباط با نشت نفت خلیج فارس گزارش نمود. این اثرات اقتصادی، با استدلال های بلند مدت در متون دانشگاهی، با افق های زمانی طولانی تر، اجتماعی و محیطی اثرات اقتصادی همگام بود.

اگر عواقب دراز مدت و کمتر مستقیم ممکن اقتصادی از ریسک های اجتماعی و محیطی در فرایند تصمیم گیری معمول در BP برجسته تر باشند، اقدامات و نتیجه ممکن است متفاوت باشد. البته، ما هرگز نمی توانیم خلاف آن را اثبات نماییم. با این حال تصمیم گیری های اطلاع رسانی شده توسط اطلاعات متمرکز کوتاه مدت حسابداری اقتصادی ممکن است بسیار متفاوت باشد اگر طیف وسیع تری از اثرات مستقیم و غیر مستقیم اجتماعی، محیطی و اقتصادی و تعاملات در اطلاعات حسابداری و ارزیابی ریسک مورد استفاده برای آگاهی در تصمیم گیری گنجانبده شوند.

گسترش مکانیسم های حسابداری موجود برای پوشش این فعل و انفعالات و اثرات اجتماعی و محیطی ساده نیست. دلیل آن تفاوت پویایی و ویژگی های در ابعاد اجتماعی و محیطی از ابعاد اقتصادی شناخته شده است. برای مثال، یکی از این تفاوت های عمده، در حوزه متناسب بودن است.

عامل کلید تسهیل کننده اندازه گیری، تجمع و مقایسه حسابداری در بسیاری از معاملات و حوادث مختلف اقتصادی این است که یک اجماع گسترده کافی بین الادهانی در متناسب بودن از این اثرات اقتصادی از نظر اندازه گیری پولی مالی وجود دارد. فعالیت اقتصادی تا حدود زیادی متکی بر تبادل حقوق مالکیت متکی است. همانطور که تبادل حقوق مالکیت معمولاً شامل تبادل پولی می شوند، اندازه گیری های پولی در دسترس برای این معاملات وجود دارند. به نظر می رسد این ارزیابی پولی به اجماع نسبتاً گسترده بین الادهانی در اندازه گیری مشترک اثرات اقتصادی از اقدامات و رویدادهای مختلف منجر شود. بنابراین اثرات اقتصادی اغلب متناسب با شرایط پولی هستند. با در نظر گرفتن این نتیجه، باید تأکید نمود که این متناسب بودن پولی، یک ویژگی ذاتی عرصه اقتصادی نیست. در عوض نشان دهنده وزن از زمان و تلاش صرف شده در چند دهه برای تولید اجماع بین الادهانی است. به عنوان مثال در حالی که مفهوم و تعریف گسترده از سود هنوز هم در برخی محافل موضوع بحث و نقد است، به طور گسترده ای برای دیگران پذیرفته شده است.

چالش های این توافق بین الادهانی با تجزیه و تحلیل و اندازه گیری نتایج اقتصادی به ثمر رسیده در عرصه هایی که در آن دیگر شیوه های دیگر تفکر رایج است، می تواند بوجود می آیند. به عنوان مثال مورد گروه مرتبط تشخیصی به عنوان یک ابزار مرکزی در تخصیص منابع از منابع مراقبت های بهداشتی در تنظیمات حاد مفید است. تحقیقات اولیه در این مورد نشاندهنده اعتراض، شکنندگی و انعطاف پذیری این روش است (Chua، ۱۹۹۴؛ Chua و Degeling، 1993). با حرکت در زمان، در بررسی چشم انداز بهداشت و هزینه یابی بهداشتی معاصر در می یابیم که، بهتر یا بدتر، گروه مرتبط تشخیصی در حال حاضر یک رویکرد فراگیر غالب است (Kern، Chapman، و Laguecir، 2014) و به طور معمول مبنایی را برای متناسب بودن عملی در مراقبت های بهداشتی را ارائه می دهد.

عبارت "عملی" در اینجا نکته مهمی است. از دیدگاه پژوهشگران در رشته دوم گسترده پژوهش حسابداری و ذیحسابی محیطی و اجتماعی، تلاش های برخی از دست اندرکاران و مشاوران برای قرار دادن یک ارزش پولی مشترک در پایداری مواد به خوبی درک نشده است (Hines, 1991). با این حال، از دیدگاه پژوهشگران مشغول به کار در رشته سوم از این پژوهش، اجماع بین الاذهانی در اندازه گیری در برخی از حوزه ها، برای میسر نمودن برخی از اثرات اجتماعی و محیطی عملاً متناسب کافی است، به طوری که آنها می توانند به طور مستقیم و به طور فعال در نظر گرفته شوند.

یک نامزد برای چنین متناسب بودن عملی، اثرات کربن است. تولید گازهای گلخانه ای دی اکسید کربن (و سایر گازهای گرم شدن کره زمین) به طور گسترده تاثیر جهانی داشته اند، که وابسته به جایی نیست که دی اکسید کربن منتشر شده است. مکانیسم های در دسترس (مسئله رقابتی) بازار از طریق طرح های تجارت کربن به طور فزاینده رایج برای قرار دادن یک قیمت معامله در انتشار کربن وجود دارد (Bebbington و Larrinaga, 2014a). برخی استدلال نموده اند که این اجماع کافی در حال حاضر برای متناسب بودن با اثرات اقتصادی در این حوزه توسعه یافته است.

با این حال، زمانی که ما به دیگر حوزه های زیست محیطی حرکت می کنیم، تجربه و عمل کمتری را در اندازه گیری می بینیم. برای این اثرات محیطی، تناسب عملی یک چشم انداز از راه دور است. یکی از تاثیرات، استفاده از آب در تولید، حمل و نقل و استفاده از محصولات است. ایجاد مکانیسم های حسابداری برای محاسبه مقدار آب استفاده شده در هر محصول و موضع فعلی آن - حجم پیمان آب جاسازی شده در یک محصول (Russell و Lewis, 2014) امکانپذیر است. با این حال، تجمیع و مقایسه این آب بسیار مشکل است به طوری که هر گونه ای تفسیری در مورد نتیجه ممکن است معنی دار باشد. دلیل آن این است که دو محصول با مقدار آب تعبیه شده یکسان ممکن است از آب به شیوه ای متفاوت استفاده نموده باشند که اثرات بسیار متفاوت محیطی داشته باشد.

به عنوان مثال، آب برای رشد علف تغذیه گاو استفاده می شود تا شیر و گوشت گاو تولید شود. تامین این آب که از بارش باران کافی در منطقه ای که استرس آب رسانی ندارد، اثر محیطی و اجتماعی بسیار متفاوتی از همان مقدار آب

استفاده شده در تهیه شیر و گوشت گاو در منطقه خشک دارد. اگر این منطقه در برخی از مواقع سال خشک باشد، بسیار مرطوب باشد، تولید آب متفاوت باشد و غیره، پیچیدگی این مقایسه بیشتر می شود. با توجه به این پیچیدگی و تنوع در هزینه فرصت اجتماعی و محیطی از مقدار داده شده از آب، رسیدن به سطح توافق بین الازمانی لازم برای تناسب عملی با معیاری برای تاثیر استفاده از آب به طور محتمل بسیار چالش برانگیز تر از کربن است. بنابراین در این مثال پیچیدگی و چالش تناسب اثرات محیطی استفاده از آب و آب استفاده شده در محصولات و خدمات نشان داده شده است. بدون توانایی تناسب، بسیاری از مکانیسم های حسابداری توسعه یافته برای کمک به اطلاع رسانی به تصمیم گیری در حوزه اقتصادی را نمی توان در حوزه های محیطی و یا اجتماعی استفاده نمود. این مشکلات متناسب بودن خواستار مکانیسم های حسابداری توسعه یافته جدید برای کمک موثر به افزایش پایداری اجتماعی و محیطی است.

علاوه بر مشکلات متناسب بودن در زمان گسترش تمرکز حسابداری از اقتصادی به پایداری اجتماعی و محیطی، مناسبات و تعاملات بین اثرات اجتماعی، محیطی و اقتصادی بسیار پیچیده تر است. قبلا در این مقاله نشان دادیم که پیچیدگی فزاینده مستلزم در نظر گرفتن طیف وسیعی از اثرات کوتاه مدت مستقیم همراه با اثرات بلند مدت کمتر مستقیم است. هر قدر پیچیدگی این اثرات بیشتر باشد، توسعه مکانیسم های حسابداری موثر جدید و ارائه شواهد قوی در مورد این مکانیسم چالش برانگیز است.

در این بخش خاص حسابداری، سازمانها و جامعه، Bebbington و Larrinaga (2014b) نشان می دهند که ماهیت اثرات اجتماعی و محیطی نیز از روابط مشخصه اثرات اقتصادی آشناتر برای حسابداران بسیار متفاوت است. آنها نه تنها به ماهیت ناشناخته بسیاری از جنبه های توسعه پایدار اشاره می کنند، بلکه استدلال می کنند که روابط بین عناصر کلیدی توسعه پایدار نمی تواند به هر ترتیبی نشان داده شوند. این کار به لایه های پیچیدگی و غیر قابل پیش بینی بودن مسائل اساسی حسابداری برای توسعه پایدار و به تحول مشاهدات تجربی خام برای شواهد مفید، بینش ها و ادراکات می افزاید.

Bebbington و Larrinaga (2014b) استدلال می کنند که اگر شیوه های حسابداری به شیوه ای مثبت بتوانند به سمت توسعه پایدار توسعه یابند، محققان باید درک بیشتری از علم توسعه پایدار پیدا کنند. از این منظر، پژوهش موثر برای حسابداری توسعه پایدار به یک حرکت فراتر از تمرکز در حد تحقیقات حسابداری اجتماعی و محیطی نیاز دارد که در آن مطالعات اغلب عناصر متداول حسابداری و پایداری را بررسی می نمایند. آنها استدلال می کنند که این نیاز دارد که محققان درک وسیع تری از علم پایداری و توسعه پایدار داشته باشند. بنابراین باید محققان از سطح بیشتری از عدم اطمینان و غیر قابل پیش بینی بودن در روابط این تحقیقات آگاه شوند و توسعه پایدار را به عنوان یک مشکل ترکیبی از شواهد علمی با گفتمان های سیاسی و اجتماعی ببینند که سوالات شناختی پیچیده را مطرح می نماید.

Bebbington و Larrinaga (2014b) نیز تحولات اخیر در شناخت نیاز به رسیدگی به این مشکلات پیچیده توسعه پایدار را با استفاده از یک رویکرد فرارمال برای تحقیق و توسعه در سیاست و عمل را برجسته نمودند. این امر مستلزم یک رویکرد مسئله گرا و بررسی چند رشته ای است. از نظر این دیدگاه، تحقیق مؤثر در حسابداری برای توسعه پایدار ما را ملزم به پذیرش و رسیدگی به پیچیدگی های قابل توجهی می نماید، چالشی که برای بسیاری از دانشگاهیان جذاب است.

ارزش عمق و تنوع نظری بیشتر در تحقیق بر روی حسابداری برای توسعه پایدار

با توجه به تغییر سریع و بسیار پیچیده حسابداری در عرصه پایداری، همانطور که در بالا بحث شد، چالش درگیر شدن در تحقیقاتی که از نقدهای سازنده شیوه های موجود و نوآوری شیوه های جدید پشتیبانی در حسابداری برای توسعه پایدار حمایت نمایند، یک چالش بزرگ است. مسائل مربوط به بیان سوالات تحقیق سریع و نظری آگاهانه همراه با بررسی نقاط قوت و ضعف روش های مختلف تحقیق، مباحث دیرینه بحث در نوشته های حسابداری بوده است (نگاه کنید، برای مثال به، Chapman، ۲۰۱۲، Chua، ۱۹۸۶). با این حال، به دلایل ذکر شده در بالا، به نقش تئوری در حسابداری برای متون توسعه پایدار کلی باید بیشتر توجه نمود (به طور مثال نگاه کنید به: Gray، Owen، Adams، ۲۰۱۰). به گفته Gray و Laughlin (۲۰۱۲، ص. ۲۴۱):

در آینده ما باید از تمرکز کوتاه نگرانه، منفک و کم رنگ در مطالعات توصیفی از شیوه های حسابداری اجتماعی اجتناب نماییم. . . شیوه های پژوهشی که در طول ۲۰ سال گذشته غالب بوده اند.

بیان سوالات (و یا مشکلات) متقاعدکننده تحقیقاتی و استفاده از روش های پژوهش متناسب با مجموعه داده ها در فرم مناسب برای پرداختن به این سوالات، تمرکز اصلی مقالات دانشگاهی است (Sandberg و Alvesson, ۲۰۱۳). Broadbent و Unerman, 2011, Silverman, ۲۰۱۱). نظریه ها نقش حیاتی در بیان سوالات تحقیق، در شناسایی روش های مناسب برای جمع آوری اطلاعات، رسیدگی به این پرسش ها و تجزیه و تحلیل این داده ها ایفا می کنند (نگاه کنید به، برای مثال، Ahrens و Chapman, ۲۰۰۶؛ Sandberg و Alvesson, ۲۰۱۳). تئوری یک ابزار حیاتی در شرح تحول داده ها، بینش های عمیق، بررسی محرک های اساسی و ارائه دیدگاه در "آنچه که می تواند انجام شود"، ارائه می دهد.

پیش نیاز بررسی و پیشبرد نقش تئوری در هر قسمتی از تحقیق، درک مشترک از اصطلاح «تئوری» در "دیدگاه های بسیاری از تئوری های علوم اجتماعی، (Sandberg و Alvesson, ۲۰۱۳، ص. ۵۱). Ahrens و Chapman (۲۰۰۶، ص. ۸۲۳) درک تئوری به عنوان "مجموعه ای از مفاهیم توضیحی است. . . [که] حوادث در این زمینه می توانند به بهترین شکل با اشاره به نظریه های متعدد توضیح داده شوند. به طور مشابه، Silverman (۲۰۱۱، ص. ۵۲) توضیح می دهد که نقش یک نظریه:

. . . مرتب نمودن مجموعه ای از مفاهیم برای تعریف و توضیح برخی از پدیده ها است. . . بدون یک نظریه، پدیده هایی مانند 'جنس'، 'شخصیت'، 'بحث' یا 'فضا' را نمی توان توسط علوم اجتماعی درک نمود (ما حسابداری و پایداری را به این لیست اضافه می کنیم). بدین ترتیب، بدون یک نظریه هیچ چیزی برای تحقیق وجود ندارد. . . نظریه انگیزه برای تحقیق را فراهم می کند.

در استدلالات بیان شده در این مقاله، ما از عبارت تئوری به روش تعریف شده در مطالعات فوق، به عنوان یک چارچوب مفاهیمی استفاده می کنیم که به ساختاریابی مشاهدات ما و سپس فهم این عناصر مشاهده شده از جهان، و برای برقراری ارتباط با این درک کمک می کند (همچنین نگاه کنید به: Ohlson, ۲۰۱۱).

روش های پژوهش تفسیری در حسابداری برای مطالعات تحقیقاتی توسعه پایدار شاید به دلیل ماهیت پیچیدگی و تفاوت های ظریف اساسی مسائل در دست تحقیق رایج هستند. در هر روش پژوهش، نظریه نشان دهنده یک اقدام در ساده سازی رابطه با جهان بی نهایت پیچیده است. همانطور که معمولاً در بخش روش مطالعات تفسیری مورد بحث است، نقش چنین کاری قابل قبول، قابل اعتماد و پربار از ادعاهای مستقیم به سمت حقیقت پیچیده در غیاب یک معیار عینی واقع گرا برای قضاوت این ادعا است. این با فروپاشی نسبیت (Chua, ۱۹۸۶) برابر نیست، بلکه نشان دهنده ارزش برخی از توسعه ها در داخل و تنوع بین رشته های متعدد از نظریه پردازی است.

برخی اوقات، نظریه پردازی در مورد حسابداری پایداری و پژوهش ذیحسابی، و به ویژه رشته پژوهش حسابداری برای توسعه پایدار تحت سلطه دینفعان و نظریه های ظاهراً مشروع آنها قرار گرفته است (Unerman, Bebbington, 2014, O'Dwyer, Deegan, 2014, Deegan, 2002, 2014, Unerman و Deegan, 2011, Rinaldi, Unerman, و Tilt, 2014, Unerman, 2008). به کارگیری این نظریه ها در توسعه بینش مفید در مراحل اولیه توسعه عمل حسابداری اجتماعی و محیطی و پژوهش موثر بوده است - به خصوص هنگامی که تحقیق بر روی شیوه های گزارشگری خارجی متمرکز بده بود. با این حال استفاده از دیدگاه های گسترده از این نظریه ها و با داده های مختلف، معمولاً بینش عمده ای برای پیشبرد پایه شواهد را فراهم نمی کند.

بنابراین، برای مثال، زمانی که نقش مشروعیت قانونی در نظر گرفته می شود، توجه به اصلاحات کاهش می یابد. این از ارزش کاهش نمی کاهد، بلکه نیاز به استفاده از مفهوم مشروعیت را در نکات دقیق وظریف و جزئیات در طول یک جریان از مطالعات نشان می دهد. خاطر نشان می کنیم که ملاحظات مشابهی را می توان در رشته گسترده دوم از پژوهش حسابداری پایداری و ذیحسابی که روی مسائل مدیریتی شیوه های حسابداری اجتماعی و محیطی تمرکز نموده اند، استفاده نمود. هنگامی که تعدادی از مطالعات تحقیقاتی در مورد مسائل مدیریتی وجود دارد، ما می توانیم از پتانسیل سهم اضافی اساسی دانش برای برجسته نمودن این مسائل مدیریتی استفاده نماییم. در حالی که گرایش کلی ممکن است پایدار باقی بماند و در نتیجه شایسته توجه است، ارزش بیشتر این مشاهدات مداوم می تواند در توسعه بیشتر و جزئیات ماهیت مسائل مدیریت جذب مشخص شود.

انتخاب تئوری شامل انتخاب هدفمند تاکید بر ماهیت یک موضوع تحقیق می شود. با توجه به محدودیت های ذاتی هر ساده سازی ارائه شده توسط هر مطالعه یک پژوهش، تفسیر داده ها با استفاده از هر چارچوب بندی خاص نظری، مسائل خاص مورد نظر را برجسته می نماید تمرکز این نظریه است اما لزوماً بسیاری از مسائل دیگر مورد نظر را بر جای می گذارد. باید توجه داشت که زمانی که تعدادی از مطالعات ارائه دهنده ساده سازی های مرتبط در مجموع دیده می شوند، آنها با هم درک بسیار غنی از میدان تحقیق را فراهم می نمایند.

از این منظر، توسعه و تنوع نظری در میان محققان دانشگاهی، نشانه عدم ثبات نیست. در عوض، نشانه یک آکادمی با اعتماد به نفس و بالغ است. نظریه های فردی از توسعه در طول زمان بهره می برند، اما حتی با توجه به توسعه، هیچ چارچوب نظری نمی تواند نزدیکی درک کامل و یا معنی دار از یک میدان بسیار پیچیده و در حال تغییر را از طریق داده های تجربی در مطالعات متعدد ارائه دهد. یک بخش دانشگاهی از نیروی کار، که اغلب از پیش برنامه ریزی نشده اند، با جنبه های مختلف یک تصویر کلی از یک میدان ارائه شده توسط مطالعات علمی مختلف، می تواند موثر ترین راه برای بیان دیدگاه های قوی برای ارزیابی، نقد و توسعه عمل باشد. این مطالعات مختلف و بینش های آنها در رقابت با یکدیگر نیستند. بینش های هیچ مطالعه ای لزوماً بهتر از مطالعات دیگر نیست، بلکه بینش های ارائه شده توسط هر مطالعه فردی در ترکیب با بینش های دیگر مطالعات با کیفیت بالا در یک زمینه خاص قوی تر می شوند

با گذشت زمان، توسعه چنین درک از مشکلات متمر ثمر، یک چالش برای جوامع پژوهش است. در برخی از نقاط، آنها باید اهداف بالقوه را در پرس و جو یا شاید فقط روش های جذاب تری که تئوری های جدید و یا اصلاح شده ممکن است به ارمغان بیاورند را تایید نمایند. این نیاز، یک نوع تغییر الگویی Kuhnian را نشان نمی دهد، چرا که در کار تفسیری، نظریه تازه پیشنهاد شده، نظریه قبلی را خراب نمی کند

ارتباط با یک چارچوب نظری تغییر ناپذیر برای مشاهده و ارتباط با جهان در حال تغییر، که در آن انتزاعات نظری باید در پرتو شواهد جدید از شیوه های تغییر یافته اصلاح شوند، ریسک هایی را نشان می دهد که به تفاسیر متقاعدکننده از مشاهدات تجربی مرتبط نیستند.

در مطالعات تفسیری، استفاده دوباره از همان تئوری بدون تکامل در پرتو شواهد و تفکر جدید، درجه رکود ناسازگار با فلسفه تفسیرگرایی اساسی و نامرتبی داده ها را نشان می دهد. علاوه بر این، ارتباط با نظریه های موجود و یا در بهترین حالت مانع تشکیل نظریه جدید می شود که می تواند به ارائه دیدگاه های جدید در اطلاع رسانی روش مشاهده شیوه و سیاست در حسابداری برای توسعه پایدار، و در ارائه شواهد قوی از این مشاهدات پیچیده و نامرتب کمک کند.

توسعه نظری اخیر و تنوع در متون حسابداری برای توسعه پایدار

اگر چه مطالعات از شیوه های گزارشگری سازمانی در تحقیقات در مورد حسابداری پایداری و ذیحسابی غالب است، پیشرفت ها در حسابداری برای شیوه های توسعه پایدار در سال های اخیر فرصت بسیار خوبی برای تحقیقات حسابداری مدیریت و کنترل جنبه های پیچیده درونی حسابداری برای توسعه پایدار را ارائه داده است. مطالعات در این زمینه، چگونگی استفاده از شیوه های حسابداری برای ملاحظات توسعه پایدار به منظور تصمیم گیری در سطوح مختلف سازمان ها را بررسی نموده اند. (Bebbington, 2009؛ Fraser و Bebbington، ۲۰۱۴. Thomson و Bebbington، ۲۰۱۳، Owen، ۲۰۰۸). این اعمال پیچیده زمین حاصلخیزی برای استفاده از انواع نظریه ها برای کمک به شواهد قوی و فهم این شیوه ها را (Bebbington و Thomson، ۲۰۱۳) فراهم می کنند. انواع چارچوب بندی نظری مقالات در مورد (۲۰۱۳) موضوع خاص پژوهش اخیر مدیریت حسابداری در توسعه پایدار در مورد شیوه های حسابداری مدیریتی مورد استفاده قرار گرفته است. به عنوان مثال، Mundy و Arjaliès (2013) و Magnan، Rodrigue، و Boulianne (2013) از نظریه کنترل استفاده نموده اند. با این حال، Bouten و Hoozee (2013) و Contrafatto و Burns (۲۰۱۳) از چارچوب بندی نظری (۱۹۹۱) Laughlin برای تغییر سازمانی استفاده نموده اند و Moore (۲۰۱۳) از چارچوب بندی Dillard و همکاران (۲۰۰۴) در تغییر سازمانی استفاده نموده اند. با این حال، Thomson و Bebbington (۲۰۱۳) استدلال می کنند که در حالی که بینش این مقالات استفاده مناسب از تئوری را میسر می سازد، بینش های قانع کننده و مفیدتری از استفاده جمعی از پایگاه گسترده تر از نظریه پردازی در حال ظهور هستند.

در این بخش خاص از حسابداری، سازمانها و جامعه، Spence و Rinaldi (2014) کاربرد جدیدی از نظریه مدیریت دولتی را برای کمک به درک چگونگی جای دادن مکانیسم های تصمیم گیری زنجیره ای سوپر مارکت -در ارتقای مدیریت پایداری جاسازی و مسئولیت اجتماعی در میان سازمان های دیگر در زنجیره تامین خود به کار برده اند. برخی از این سازمان های دیگر زمین های کوچکی بودند، و استفاده از نظریه مدیریت دولتی به بینش های مربوط به مدیریت پویایی قدرت بین این زمین های کوچک و سوپر مارکت کمک می کند. به طور خاص، Spence و Rinaldi (2014) چهار 'تجزیه و تحلیل دولتی Dean (۲۰۰۹) را (زمینه دید، و فناوری، معرفت، و شکل گیری هویت) برای رسیدن به درک درستی از نحوه نهادینه نمودن شیوه ها حسابداری خاص، در چارچوب رژیم جدید عمل پایداری توسط سوپر مارکت استفاده و توسعه داده اند که در شکل دادن به مدیریت زنجیره تامین موثر بود. این نظریه پردازی جدید در تحقیقات حسابداری برای توسعه پایدار به Spence و Rinaldi (2014) کمک نمود تا درک درستی از چگونگی توسعه رژیم جدید از عمل پایداری را به شیوه ای توسعه دهند که مدیریت پایداری فراتر از مرزهای سازمانی از سوپر مارکت زنجیره ای و گسترش مدیریت غیر مستقیم سازمان های دیگر در زنجیره تامین سوپر مارکت را میسر نمود.

Grubnic، Thomson و Georgakopoulos (2014) نیز از نظریه مدیریت دولتی برای توسعه حسابداری جدید برای بینش توسعه پایدار استفاده نمودند - اما به شیوه ای تا حدودی متفاوت و از یک چارچوب بندی متفاوت از Spence و Rinaldi (2014) استفاده نمودند. در استفاده از یک چارچوب بندی نظری متفاوت، آنها به نشان دادن بحث قبلی ما کمک نمودند که تحولات مختلف و یا اصلاح نظریه ها در مطالعات جداگانه می تواند درک و بینش های مکمل را ارائه دهد. Thomson و همکاران. (۲۰۱۴) مفاهیم مدیریت دولتی را در ابزارهای برنامه ای در توسعه نظریه در منطقه ترکیبی حسابداری برای تجزیه و تحلیل شواهد مربوط به حسابداری برای توسعه پایدار استفاده نمودند.

در برابر زمینه سیاست های دولت با هدف پرورش پایداری بیشتر در ارائه خدمات عمومی، Thomson و همکاران. (۲۰۱۴) از این مفهوم نظری برای کمک به درک جنبه ها، و محدودیت های بخش عمومی حسابداری برای توسعه

پایدار که منجر به یا مانع توسعه اساسی پایدار می شود و تحول در فعالیت های دو سازمان بخش دولتی بسیار متفاوت، استفاده نمودند. این کاربرد جدید از یک چارچوب بندی نظری ترکیبی به Thomson و همکاران. (۲۰۱۴) کمک نمود تا شواهدی در مورد چگونگی همراهی فشار محدودیت منابع مالی در خدمات عمومی بریتانیا را با ضرورت های برآورده سازی مستمر اهداف نشان دهند که اثربخشی ترکیبات پایداری-حسابداری را محدود می کند. این محدودیت از اثربخشی در ارائه تحولات پایداری عمیقاً جاسازی شده و عدالت اجتماعی بهبود یافته ناموفق بود. با حرکت از جنبه های کنترل مدیریت از حسابداری برای توسعه پایدار به تحقیقات گزارش های خارجی، برخی از مقالات در مورد بررسی شیوه های گزارشگری اجتماعی و محیطی توسعه یافته اند و انواع دیدگاه های نظری جدید را اصلاح نموده اند. نمونه هایی از برخی از این مطالعات عبارتند از Kirk, Bebbington, و (2012) Larrinaga, Bebbington, Larrinaga-Gonzalez, و Moneva-Abadía (2008), Brown, de Jong, و Lessidrenska (2009), Contrafatto (2014), Etzion, Ferraro (۲۰۱۰), O'Dwyer, Owen و Unerman (2011) و Milne, Tregidga, و Kearins (2014).

به عنوان مثال، Bebbington و همکاران. (۲۰۰۸)، درک نظری و تجربی از خطر شهرت برای کمک به ارائه بینش متنوع تر به انگیزه های اساسی شیوه های گزارشگری پایداری را با استفاده از نسخه گسترده ای از نظریه مشروعیت در نوشته های مختلف غالب است، توسعه داده اند. در حین حفظ تمرکز بر نظریه مشروعیت قانونی خود، O'Dwyer و همکاران. (۲۰۱۱) از چارچوب بندی عمیق، متمرکز و متنوع خود در تحقیقات برای حسابداری توسعه پایدار برای کمک به درک فرآیندهایی مشروع شدن شیوه های اطمینان از گزارش های پایداری در میان شرکای مختلف این اقدامات استفاده نمودند.

یک روش بیشتر برای توسعه این زمین، توجه به نظریه هایی است که بینش های مفیدی را در زمینه های دیگر از حسابداری و مدیریت، مانند حسابداری مدیریت و مطالعات کنترل (Higgins و Larrinaga, 2014) ارائه نموده اند. به عنوان مثال Contrafatto (2014) از یک چارچوب نظریه نهادی به درک فرآیندهای پیشرفته و مراحل گزارش اجتماعی و محیطی و پذیرفته شدن آنها در یک شرکت چند ملیتی استفاده نمودند.

چارچوب بندی نظری **Contrafatto** (2014) به شناسایی سه مرحله کلیدی کمک می کند که به نهادینه شدن شیوه های گزارشگری اجتماعی و محیطی منجر می شود. اولین مرحله قبل از صدور هر گونه گزارش پایداری خارجی سیستماتیک رخ می دهد و مرتبط با توسعه درک مشترک در میان بازیکنان کلیدی در مورد مسئولیت های اجتماعی و به ویژه محیطی شرکت است. چارچوب بندی نظریه نهادی **Contrafatto** (2014) درک درستی از پویایی را تسهیل می نماید که منجر به توسعه این درک های مشترک ضروری می شود. مرحله دوم شامل توسعه مستمر اعمال و فرایندهای مورد استفاده برای تولید گزارش های پایداری سالانه می شود که با تئوری نهادی، به مطالعه بینش های انتزاعی و سطحی که هسته توسعه و پالایش مداوم این شیوه ها بوده اند، کمک می نماید. مرحله نهایی، که به نهادینه سازی محکم تر این فرآیند ها و روال های گزارش دهی توسعه پایدار منجر می شود، رسمی سازی بیشتر فرآیندها و سیستم های گزارش دهی توسعه پایدار، از جمله نقش کارکنان و ادارات درگیر در این فرآیند است.

با دور شدن از مشروعیت و چارچوب بندی های نهادی، **Bebbington** و همکاران. (۲۰۱۲) از بینش های نظری ترکیبی از تئوری رژیم، ساختارگرایی استفاده نموده اند و نشان می دهند که چرا رژیم اجباری گزارش دهی محیطی در یک کشور (اسپانیا) با فقدان انطباق (گزارش به یک هنجار تبدیل نشد) مشخص می شود، در حالی که یک رژیم گزارش دهی محیطی داوطلبانه در یک کشور دیگر (انگلستان) برای همان صنعت در همان زمان، سطوح بالایی از علاقه به گزارش دهی را به خود جلب نمود. با استفاده از فعل و انفعال پیچیده نظریه ها و داده ها در **Bebbington** و همکاران. (۲۰۱۲) یک بینش نظری و تجربی را برای رعایت رژیم های گزارش دهی محیطی مختلف فراهم نموده اند که از توصیف داده ها و یا با استفاده از یک نسخه گسترده ای از نظریه مشروعیت پدید نیامده است.

Tregidga و همکاران. (۲۰۱۴) از نظریه **Laclau** و **Mouffe** در مورد گفتمان تجزیه و تحلیل نموده اند که چگونه، بیش از تقریباً دو دهه، شرکت ها در یک زمینه ملی گزارش پایداری خود را برای ساخت هویت جمعی خود به عنوان سازمان ظاهراً پایدار مورد استفاده قرار دادند، و چگونه این ساخت هویت با استفاده از گزارش های پایداری در طول زمان تغییر نمود. این مقاله نشان می دهد که چگونه گزارش پایداری برای ساخت هویت های توسعه پایدار

در حال تحول برای شرکت های بزرگ، یک شرکت را قادر به حفظ عملیات هایی می سازد که ناپایدار هستند، در حالی که تصویری از مراقبت از جامعه و محیط زیست را برای آن شرکت ارائه می دهد.

نظریه گفتمان مورد استفاده در مقاله شواهد انتزاعی نشان میدهد که چگونه گفتمان در گزارش پایداری شرکت ها بر تحویل مفاهیم اجتماعی پایداری در طول زمان تاثیر گذاشت و کمک نمود. این گفتمان به ساخت مفاهیم اجتماعی از یک سازمان پایدار نیز کمک کرده است (چگونگی شناسایی چنین سازمان هایی). هویت های اصلی پایداری شناسایی شده از این چارچوب بندی نظری در طول زمان تکامل یافته اند و به سه فاز مجزا تقسیم می شوند. فاز اول (سال دهه ۱۹۹۰) توسط Tregidga و همکاران (۲۰۱۴) مشخص می شود که در آن هویت ساخته شده، یک انطباق سازمانی با مقررات محیطی و دیگر انتظارات اجتماعی در مسئولیت محیطی بود. مرحله دوم (نیمه اول از دهه ۲۰۰۰) که در آن هویت سازمان پایدار از طریق ارائه رهبری در پیشبرد پایداری مشخص می شود. مرحله نهایی (نیمه دوم دهه ۲۰۰۰) که در آن یک شرکت پایدار متحول شده است که به این معنی است که یک کسب و کار ارائه دهنده منافع اجتماعی و محیطی از لحاظ اقتصادی موفق است.

به طور کلی، مقالات مورد بحث در اینجا نشان می دهد که چارچوب های نظری جدید، استفاده از حسابداری را برای تحقیقات دانشگاهی توسعه پایدار شروع نموده اند. این مقالات شامل مقالات در این بخش خاصی از حسابداری، سازمانها و جامعه، از نظریه برای کمک به فرآیندهای کار برای جمع آوری داده ها و برای سازماندهی و تفسیر این داده ها که اغلب پیچیده و نامرتب است - که نشاندهنده ماهیت پیچیده و پویای زمینه توسعه پایدار است - استفاده کرده اند. در حالی که توسعه، اصلاح و استفاده از چارچوب های نظری جدید را می بینیم، ما با مشاهده و نگرانی Thomson و Bebbington (۲۰۱۳) موافق هستیم که آرایه بسیار گسترده تری از دیدگاه های نظری، از جمله دیدگاه های خارج از حسابداری و مدیریت مطالعات وجود دارند که باید بررسی شوند تا پایگاه شواهد قوی تری برای حسابداری موثرتر در توسعه پایدار ایجاد شود (همچنین نگاه کنید به: O'Dwyer و Unerman، 2014).

نتیجه گیری و دستورات عملی ها برای تحولات نظری آینده در مورد حسابداری برای تحقیقات توسعه پایدار

ما به طور خلاصه به دنبال رئوس مطالب پویایی پیچیده و وابستگی اساسی حسابداری در زمینه توسعه پایدار هستیم. حساسیت به این چارچوب بندی نشان دهنده مزایای بیشتر توسعه نظری و تنوع تحقیقات موجود در این حوزه است. ما همچنین برخی از مقالات منتخب اخیر را برای نشان دادن این فعل و انفعال چارچوب بندی، نظریه پردازی و بینش ها بررسی نمودیم.

در بین آنها، این مقالات از انواع چارچوب بندی نظری برای استنتاج شواهد و فهم داده های پیچیده استفاده نموده اند. مفاهیم ارائه شده توسط هر مقاله برای مشخص نمودن وضعیت صحیح یا بهترین توضیح قابل مقایسه نیستند. در عوض، آنها مکمل یکدیگر هستند و هر یک بینش های مختلفی را ارائه می دهند که به درک کامل تر از عرصه های بسیار پیچیده از حسابداری برای توسعه پایدار منجر می شود. در عین حال، با توجه به مجموعه فزاینده شیوه ها و سیاست های توسعه پایدار، مقالات بحث شده در بالا، در مجموع یک تصویر نزدیک به کامل و یا درک درستی از حسابداری برای توسعه پایدار را ارائه می دهند. بنابراین محدوده قابل توجهی برای دیگر نظریه های جدید وجود دارد که باید در تجزیه و تحلیل مشاهدات تجربی استفاده شود تا به شواهد و درک بیشتر کمک نماید که ما معتقدیم که دانشگاهیان باید این شواهد و درک بیشتر را برای حسابداری در توسعه پایدار ارائه دهند

در این کار، یک سوال مطرح می شود که نمونه های خاصی از نظریه های جدید و یا اصلاح شده چیست. اقدام مستقیم پاسخ به این سوال فرصتی برای ترویج برخی از علاقه های شخصی خاص شما را ارائه می دهد. با این حال این ریسک جایگزین یک مجموعه از گرایش های نظری (و محدودیت ها) است. یک پیام مهم تر که از نظریه استدالات ما می آید نیاز به در نظر گرفتن جریان پویا و متمم جریان های مختلف تحقیق و چارچوب بندی های نظری است.

یک ریسک ملاحظات دقیق، ورود نظریه پردازی به یک منطقه خاص بدون آگاهی از تحولات آن است. با توجه به تکامل و توسعه تئوری، بحث اساسی در مورد محدودیت ها و پتانسیل ها نیاز به توجه دقیق دارد. البته، با توجه به منافع بالقوه بسیار متفاوت که توسعه نظری در عرصه های مختلف ممکن است ایجاد نماید، می توان گفت که جدید

ترین مجموعه از نگرانی‌ها توسط یک گروه متفکران برجسته باید در نظر گرفته شوند. یعنی، آگاهی از دستور کارهای مختلف آنها برای استفاده بسیار مهم است.

حسابداری برای توسعه پایدار نشان دهنده یک حوزه پیچیده و مبرم و مهم پژوهش است. در این مقاله، مزایای توسعه بیشتر نظری و تنوع در چنین کاری را نشان دادیم. مواجهه با نگرانی‌های بالقوه احساسی و فشارآور، به شما روش‌های کاملاً متفاوتی را برای درک از توسعه پایدار معرفی می‌کند و نشان می‌دهد که نوع سرمایه‌گذاری فکری در تئوری درک این کار و کارهای مرتبط، خود یک ریسک محسوب می‌شود. در مقابل، استدلال می‌شود که یک مورد عملی به نام نظریه خوب وجود ندارد. امیدواریم که موضوعات بحث شده در اینجا، همراه با مثال‌های فراهم شده در مقالات دیگر در این بخش ویژه خاص از حسابداری، سازمان‌ها و جامعه به انجام تحقیقات در این مورد کمک می‌کند.

References

- Ahrens, T., & Chapman, C. S. (2006). Doing qualitative field research in management accounting: Positioning data to contribute to theory. *Accounting, Organizations and Society*, 31(8), 819-841. <http://dx.doi.org/10.1016/j.aos.2006.03.007>.
- Alvesson, M., & Sandberg, J. (2013). *Constructing research questions: Doing interesting research*. London: Sage.
- Arjaliès, D.-L., & Mundy, J. (2013). The use of management control systems to manage CSR strategy: A levers of control perspective. *Management Accounting Research*, 24(4), 284-300. <http://dx.doi.org/10.1016/j.mar.2013.06.003>.
- Bebbington, J. (2009). Measuring sustainable development performance: Possibilities and issues. *Accounting Forum*, 33(3), 189-193. <http://dx.doi.org/10.1016/j.acfor.2008.09.002>.
- Bebbington, J., & Fraser, M. (2014). Organizational change and sustainability accounting. In J. Bebbington, J. Unerman, & B. O'Dwyer (Eds.), *Sustainability accounting and accountability* (2nd ed., pp. 141-153). Abingdon: Routledge.
- Bebbington, J., Gray, R., Hibbit, C., & Kirk, E. (2001). *Full cost accounting: An agenda for action*. London: Association of Chartered Certified Accountants.
- Bebbington, J., Kirk, E. A., & Larrinaga, C. (2012). The production of normativity: A comparison of reporting regimes in Spain and the UK. *Accounting, Organizations and Society*, 37(2), 78-94. <http://dx.doi.org/10.1016/j.aos.2012.01.001>.
- Bebbington, J., & Larrinaga, C. (2014b). Accounting and sustainable development: An exploration. *Accounting, Organizations and Society*, 39(6), 395-413. <http://dx.doi.org/10.1016/j.aos.2014.01.003>.
- Bebbington, J., & Larrinaga, C. (2014a). Accounting and global climate change issues. In J. Bebbington, J. Unerman, & B. O'Dwyer (Eds.), *Sustainability accounting and accountability* (2nd ed., pp. 199-212). Abingdon: Routledge.
- Bebbington, J., Larrinaga-Gonzalez, C., & Moneva-Abadía, J. M. (2008). Corporate social reporting and reputation risk management. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 21(3), 337-361.
- Bebbington, J., & Thomson, I. (2013). Sustainable development, management and accounting: Boundary crossing. *Management Accounting Research*, 24(4), 277-283. <http://dx.doi.org/10.1016/j.mar.2013.09.002>.
- Bebbington, J., Unerman, J., & O'Dwyer, B. (Eds.). (2014). *Sustainability accounting and accountability* (2nd ed.) Abingdon: Routledge.
- Bouten, L., & Hoozee, S. (2013). On the interplay between environmental reporting and management accounting. *Management Accounting Research*, 24(4), 333-348.
- Broadbent, J., & Unerman, J. (2011). Developing the relevance of the accounting academy: The importance of drawing from the diversity of research approaches. *Mediart Accounting Research*, 19(1/2), 7-21.
- Brown, H. S., de Jong, M., & Lessidrenska, T. (2009). The rise of the global reporting initiative: A case of institutional entrepreneurship. *Environmental Politics*, 18(2), 182-200. <http://dx.doi.org/10.1080/09644010802682551>.
- Buhr, N. (2007). Histories and rationales for sustainability reporting. In J. Unerman, J. Bebbington, & B. O'Dwyer (Eds.), *Sustainability accounting and accountability* (pp. 57-69). Abingdon: Routledge.
- Chapman, C. (2012). Framing the issue of research quality in a context of research diversity. *Accounting Horizons*, 26(4), 821-831.
- Chapman, C., Kern, A., & Laguecir, A. (2014). Costing practices in healthcare. *Accounting Horizons*, 28(2), 353-364. <http://dx.doi.org/10.2308/acch-50713>.
- Chua, W.-F. (1986). Radical developments in accounting thought. *The Accounting Review*, LX(4), 601-632.
- Chua, W.-F. (1994). Worrying about accounting in health care. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 7(3), 4-17.
- Chua, W.-F., & Degeling, P. (1993). Interrogating an accounting-based intervention on three axes: Instrumental, moral and aesthetic. *Accounting, Organizations and Society*, 18(4), 291-318. [http://dx.doi.org/10.1016/0361-3682\(93\)90018-2](http://dx.doi.org/10.1016/0361-3682(93)90018-2).
- Contrafatto, M. (2014). The institutionalization of social and environmental reporting: An Italian narrative. *Accounting, Organizations and Society*, 39(6), 414-432. <http://dx.doi.org/10.1016/j.aos.2014.01.002>.

- Contrafatto, M., & Burns, J. (2013). Social and environmental accounting, organisational change and management accounting: A processual view. *Management Accounting Research*, 24(4), 349–366.
- Dean, M. (2009). *Governmentality: Power and rule in modern society*. London: Sage.
- Deegan, C. (2002). Introduction: The legitimising effect of social and environmental disclosures – A theoretical foundation. *Accounting, Auditing and Accountability Journal*, 15(3), 282–311.
- Deegan, C. (2014). An overview of legitimacy theory as applied within the social and environmental accounting literature. In J. Bebbington, J. Unerman, & B. O'Dwyer (Eds.), *Sustainability accounting and accountability* (2nd ed., pp. 248–272). Abbingdon: Routledge.
- Deegan, C., & Unerman, J. (2011). *Financial accounting theory: 2nd European edition*. Maidenhead: McGraw Hill.
- Dillard, J. F., Rigsby, J. T., & Goodman, C. (2004). The making and remaking of organizational context duality and the institutionalization process. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 17(506–542).
- Ertion, D., & Ferraro, F. (2010). The role of analogy in the institutionalization of sustainability reporting. *Organization Science*, 21(5), 1092–1107.
- Gray, R. (2002). The social accounting project and accounting organizations and society: Privileging engagement, imaginings, new accountings and pragmatism over critique. *Accounting, Organizations and Society*, 27(7), 687–708.
- Gray, R. (2010). Is accounting for sustainability actually accounting for sustainability and how would we know? An exploration of narratives of organisations and the planet. *Accounting, Organizations and Society*, 35(1), 47–62. <http://dx.doi.org/10.1016/j.aos.2009.04.006>.
- Gray, R., Bebbington, J., & Gray, S. (2010). *Social and environmental accounting* (Vols. I–IV). London: Sage.
- Gray, R., & Laughlin, R. (2012). It was 20 years ago today: Sgt pepper, accounting, auditing & accountability journal, green accounting and the blue meanies. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 25(2), 228–255.
- Gray, R., Owen, D., & Adams, C. (2010). Some theories for social accounting?: A review essay and a tentative pedagogic categorisation of theorisations around social accounting. *Advances in Environmental Accounting & Management*, 4, 1–54.
- Higgins, C., & Larrinaga, C. (2014). Sustainability reporting: Insights from institutional theory. In J. Bebbington, J. Unerman, & B. O'Dwyer (Eds.), *Sustainability accounting and accountability* (2nd ed., pp. 273–285). Abbingdon: Routledge.
- Hines, R. (1991). On valuing nature. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 4(3), 27–29.
- Hopwood, A. G. (2009). Accounting and the environment. *Accounting, Organizations and Society*, 34(3–4), 433–439.
- Hopwood, A. G., Unerman, J., & Fries, J. (Eds.). (2010). *Accounting for sustainability: Practical insights*. London: Earthscan.
- IPCC. (2013). *Climate Change 2013: The Physical Science Basis*. In Intergovernmental Panel on Climate Change (Ed.), *Fifth Assessment Report: Intergovernmental Panel on Climate Change*.
- IPCC. (2014a). *Climate Change 2014: Impacts, Adaptation, and Vulnerability*. In Intergovernmental Panel on Climate Change (Ed.), *Fifth Assessment Report: Intergovernmental Panel on Climate Change*.
- IPCC. (2014b). *Climate Change 2014: Mitigation of Climate Change*. In Intergovernmental Panel on Climate Change (Ed.), *Fifth Assessment Report: Intergovernmental Panel on Climate Change*.
- IPCC (2014c). *Summary for policymakers*. In C. B. Field, V. R. Barros, D. J. Dokken, K. J. Mach, M. D. Mastrandrea, T. E. Bilir, M. Chatterjee, K. L. Ebi, Y. O. Estrada, R. C. Genova, B. Girma, E. S. Kissel, A. N. Levy, S. MacCracken, P. R. Mastrandrea, & L. L. White (Eds.), *Climate change 2014: Impacts, adaptation, and vulnerability. Part A: Global and sectoral aspects. contribution of working group II to the fifth assessment report of the intergovernmental panel on climate change* (pp. 1–32). Cambridge, United Kingdom, New York, NY, USA: Cambridge University Press.
- Laughlin, R. (1991). Environmental disturbances and organizational transitions and transformations: Some alternative models. *Organization Studies*, 12(2), 209–232.
- Lehman, G. (1999). Disclosing new worlds: A role for social and environmental accounting and auditing. *Accounting, Organizations and Society*, 24(3), 217–241. [http://dx.doi.org/10.1016/S0361-3682\(98\)00044-0](http://dx.doi.org/10.1016/S0361-3682(98)00044-0).
- Malsch, B. (2013). Politicizing the experience of the accounting industry in the realm of corporate social responsibility. *Accounting, Organizations & Society*, 38(2), 149–168.
- Moore, D. (2013). Sustainability, institutionalization and the duality of structure: The role of context and strategic factors. *Management Accounting Research*, 24(4), 367–387.
- National Commission on the BP Deepwater Horizon Oil Spill and Offshore Drilling. (2011). *Deep Water: The Gulf Oil Disaster and the Future of Offshore Drilling: Report to the President*. Washington DC: US Independent Agencies and Commissions.
- O'Dwyer, B., & Unerman, J. (2014). Realizing the potential of interdisciplinarity in accounting research. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 27(8), accepted for publication.
- O'Dwyer, B., Owen, D., & Unerman, J. (2011). Seeking legitimacy for new assurance forms: The case of assurance on sustainability reporting. *Accounting, Organizations and Society*, 36(1), 31–52. <http://dx.doi.org/10.1016/j.aos.2011.01.002>.
- Ohlson, J. A. (2011). On successful research. *European Accounting Review*, 20(1), 7–26. <http://dx.doi.org/10.1080/09638180.2011.559334>.
- Owen, D. (2008). Chronicles of wasted time?: A personal reflection on the current state of, and future prospects for, social and environmental accounting research. *Accounting, Auditing and Accountability Journal*, 21(2), 240–267.
- Power, M. (1997). Expertise and the construction of relevance: Accountants and environmental audit. *Accounting, Organizations & Society*, 22(2), 123–146.
- Rinaldi, L., Unerman, J., & Tilt, C. (2014). The role of stakeholder engagement and dialogue within the sustainability accounting and reporting process. In J. Bebbington, J. Unerman, & B. O'Dwyer (Eds.), *Sustainability accounting and accountability* (2nd ed., pp. 86–107). Abbingdon: Routledge.
- Rodrigue, M., Magnan, M., & Boulianne, E. (2013). Stakeholders' influence on environmental strategy and performance indicators: A managerial perspective. *Management Accounting Research*, 24(4), 301–316. <http://dx.doi.org/10.1016/j.mar.2013.06.004>.
- Russell, S., & Lewis, L. (2014). Accounting and accountability for fresh water. In J. Bebbington, J. Unerman, & B. O'Dwyer (Eds.), *Sustainability accounting and accountability* (2nd ed., pp. 213–229). Abbingdon: Routledge.
- Silverman, D. (2011). *Interpreting qualitative data* (4th ed.). SAGE Publications.
- Spence, L. J., & Rinaldi, L. (2014). Governmentality in accounting and accountability: A case study of embedding sustainability in a supply chain. *Accounting, Organizations and Society*, 39(6), 433–452. <http://dx.doi.org/10.1016/j.aos.2012.03.003>.
- Thomson, I. (2014). Mapping the terrain of sustainability and accounting for sustainability. In J. Bebbington, J. Unerman, & B. O'Dwyer (Eds.), *Sustainability accounting and accountability* (2nd ed., pp. 15–29). Abbingdon: Routledge.
- Thomson, I., Grubnic, S., & Georgakopoulos, G. (2014). Exploring accounting-sustainability hybridisation in the UK public sector. *Accounting, Organizations and Society*, 39(6), 453–476. <http://dx.doi.org/10.1016/j.aos.2014.02.003>.
- Thomson, I. (2007). Mapping the Terrain of sustainability accounting. In J. Unerman, J. Bebbington, & B. O'Dwyer (Eds.), *Sustainability accounting and accountability* (pp. 19–36). Abbingdon: Routledge.
- Tregidga, H., Milne, M., & Kearins, K. (2014). (Re)presenting 'sustainable organizations. *Accounting, Organizations and Society*, 39(6), 477–494. <http://dx.doi.org/10.1016/j.aos.2013.10.006>.
- Unerman, J. (2008). Strategic reputation risk management and corporate social responsibility reporting. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 21(3), 362–364.

این مقاله، از سری مقالات ترجمه شده رایگان سایت ترجمه فا میباشد که با فرمت PDF در اختیار شما عزیزان قرار گرفته است. در صورت تمایل میتوانید با کلیک بر روی دکمه های زیر از سایر مقالات نیز استفاده نمایید:

لیست مقالات ترجمه شده ✓

لیست مقالات ترجمه شده رایگان ✓

لیست جدیدترین مقالات انگلیسی ISI ✓

سایت ترجمه فا ؛ مرجع جدیدترین مقالات ترجمه شده از نشریات معتبر خارجی